



داوری عروسک‌های ایرانی در جشنواره ملی اسباب‌بازی

داوری و انتخاب بهترین عروسک‌های ایرانی در بخش جداگانه‌ای از ششمین جشنواره ملی اسباب‌بازی صورت گرفت. کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، برگزارکننده این رویداد، خبر داد که داوران بخش عروسک جشنواره شامل نیلوفر جلیلودن، فرزانه بابایی و آیدین مهدی‌زاده با بررسی ۲۱۷ اثر ثبت‌نام شده در جشنواره، چهار اثر را به‌عنوان برگزیده معرفی کرده‌اند. این جشنواره ۲۸ بهمن تا ۱۰ اسفند به‌صورت مجازی برگزار می‌شود.



لادن مستوفی همراه با «برف آخر»

فیلم سینمایی «برف آخر» به نویسندگی و کارگردانی امیرحسین عسگری و تهیه‌کنندگی حسن مصطفوی به روزمرگی‌های یک دامپزشک می‌پردازد و پس از امین حیایی حضور لادن مستوفی در این فیلم قطعی شده است. مشاور رسانه‌ای این خبر به جام گفته که فیلم، روزهای پایانی پیش‌تولید را سپری می‌کند و به‌زودی فهرست کامل بازیگران این فیلم در اختیار رسانه‌ها قرار خواهد گرفت.

گفت‌وگو با محمد خزاعی، کارشناس فرهنگی و تهیه‌کننده سینما درباره برگزاری جشنواره حال و روز سینما

هنوز نمی‌دانیم از جشنواره چه می‌خواهیم

محمد خزاعی از جوان‌ترین دبیران جشنواره‌های فجر است که دبیری این رویداد سینمایی را در دوره سی‌ام برعهده داشت. دوره‌ای که کشور از یک‌سو با فضای ملت‌پس سیاسی بعد از ۸۸ دچار بود و از دیگر سو، یکی از تنش‌زاترین اتفاقات در تاریخ سینمای ایران رقم خورد: تعطیلی خانه سینما. خزاعی دبیری است که بر خلاف همه دوره‌ها که دبیر جشنواره از میان مدیران ارشد انتخاب می‌شده به صورت مستقل و از بیرون هرم مدیران ارشد انتخاب شد. خزاعی تهیه‌کننده سینما، دانش آموخته هنر و سینماست و چند اثر تالیفی در زمینه سینما و فرهنگ دارد. خزاعی در عرصه تولید آثار فرهنگی و سینمایی به موضوعات چالشی، ملت‌پس و حساس علاقه دارد. او در سال ۸۸ فیلم قلاده‌های طلا، یکی از سیاسی‌ترین و بحث‌برانگیزترین فیلم‌های تاریخ سینمای ایران را تهیه کرد. او سال ۹۶ در کنار ابراهیم حاتمی‌کیا به سراغ مدافعان حرم رفت. او امسال سریال دادستان را آماده نمایش کرده که موضوع عدالتخواهی را دستمایه کار قرار داده است. به همین بهانه با او به گفت‌وگو نشسته‌ایم.

محمد رسول ظهیری

جام جم

چند سوره‌های امین جشنواره فجر یکی از منظم‌ترین دوره‌ها بود، این جشنواره سعی شد احترام مردم

برای نظم دهبی جشنواره سعی شد احترام مردم به‌عنوان مخاطبان اصلی سینما حفظ شود. در چاپ بلیت‌های جشنواره برای اولین بار اسامی فیلم‌ها گنجانده شد. قبلاً، اسامی فیلم‌ها روی بلیت‌ها درج نمی‌شد و فروش بلیت‌ها به صورت سری و بدون عناوین فیلم‌ها بوده است؛ اتفاقی که در هیچ دوره ای سابقه نداشت و معمولاً بسیاری از فیلم‌ها در واپسین ثانیه‌ها و دقیقاً خود را به نمایش می‌رساندند. برای اولین بار جدول نمایش فیلم‌ها یک هفته قبل از جشنواره و همراه با پیش‌فروش بلیت‌ها نهایی و منتشر شد. این یعنی احترام به مردم و مخاطب، چون مخاطب بر اساس جدول حق انتخاب داشت و فیلم‌ها موردنظرش را انتخاب می‌کرد. خوشبختانه با همراهی خوب تهیه‌کنندگان و صاحبان آثار، سنگ بنایی حرکتی گذاشته شد که در دوره‌های بعد هم استمرار یافت. صیانت از آرای مردمی و فیلم منتخب تماشاگران از دیگر دغدغه‌های ما بود. موضوعی که بارها در گذشته شاهد بودیم که پروسه انتخاب فیلم تماشاگران با گمانه ها، تشکیک و شائبه‌ها همراه بود. تلاش کردیم جوازین جشنواره که آن زمان در قالب خودرود بود دقیقاً بعد از مراسم اختتامیه به برگزیدگان تحویل شود. برای این‌که به نظم ایجاد شده لطمه و خللی وارد نشود از یکایک تهیه‌کنندگان نامه کتبی گرفتیم تا نسبت به زمان‌بندی تحویل اثر و نمایش متعهد بمانند. این همکاری هنرمندان کمک کرد تا کوچک‌ترین اختلال در نظام نمایش و اکران اتفاق نیفتد و همه آثار بر اساس جدول زمان‌بندی اعلام شده به نمایش در بیایند؛ چرا که مصر بودیم برای اصول و استانداردهای جشنواره بایستیم.

چرا به این جمع‌بندی رسیدید که جشنواره نیاز به تغییرات اساسی دارد؟ چه ضرورت‌هایی ایجاد می‌کرد دست به چنین تغییراتی بزنید؟ تغییراتی که در آن فاصله زمانی بیشترشبه نوعی ریسمان بودند؟

بدون شک، جشنواره نیاز به بازنگری و جراحی اساسی داشت. با علم به این مهم از یک سو و نیز، زمان کم باقیمانده تا زمان برگزاری، شرایط را فراهم ساختیم تا بتوانیم بخش‌هایی از جشنواره را اصلاح و دگرگون کنیم. ساختار جشنواره یک ساختار ثابت بود. بعد از ربع قرن و در نقطه گذار سی‌ام می‌طلبید مهم‌ترین جشنواره انقلاب اسلامی دست‌خوش تغییرات اساسی‌تر شود و احساس کردیم این رویداد مهم در دهه فجر با اهداف کلان فرهنگی نظام هم‌تراز نیست. عادت کرده بودیم به فضای نمایش فیلم‌ها و هیاهوها دلخوش باشیم. لازم بود در دوره سی‌ام که سن بلوغ نسبی یک رویداد قلمداد می‌شود، گرای اساسی کرد.

چرا برخی جشنواره سی‌ام را به جشنواره‌ها اولین‌ها لقب دادند؟

چون در این دوره با مجموعه‌ای از تحولات و تغییرات همراه شدیم. در قالب طرح تحول چند تغییر اساسی و ایده را برای نخستین بار عملیاتی کردیم. طراحی آیین استقبال از هنرمندان و ساخت کوچه انقلاب با توجه به همزمانی جشنواره با آغاز دهه فجر با بهره‌گیری از معماری ایرانی و اسلامی و نشانگان انقلاب، تله‌فیلم‌ها را از ساختار جشنواره حذف کردیم. نمایش فیلم‌ها سه‌بعدی برای اولین بار در دوره سی‌ام تجربه شد و در قالب بخش جنبی تعدادی از فیلم‌های شاخص روز دنیا به نمایش در آمد. طراحی تیم تشریفات، نحوه استقبال از هنرمندان با تشریفات ویژه، ارتقای فنی سیستم‌های بخش و نمایش فیلم در سالن‌های سینما، طراحی یک استیج برای اولین بار و... از دیگر اتفاقات دوره سی‌ام بوده است.

برای اولین بار با تعامل گسترده دستگاه‌های اجرایی و شهری فضایی مجزا برای تبلیغات فیلم‌های

جشنواره مهیا کردیم حتی در متروها. نمایشگاه‌های عکس فیلم‌ها را در ایستگاه‌های مترو برگزار کردیم و مردم در نقاط مختلف با این رویداد بزرگ همراه شوند.

دوره سی‌ام دوره نوآوری‌های زیادی شد. اولین مراسم استقبال، کوچه انقلاب بود که متأسفانه بعداً تبدیل به فرش قرمز شد. باورم این بود که ما قمار نیست فرش قرمز پهن کنیم بلکه در نظر داشتیم مراسم استقبال ایرانی طراحی کنیم براساس فرهنگ و هویت ملی‌مان. پیش‌بینی استودیوهای تخصصی برای گروه‌های رادیویی و تلویزیونی، مدیریت سالن‌ها و اولویت‌بندی برای ورود و حضور، کثرت برنامه‌های گفتمانی، توجه ویژه به سینمای مستند و نشست‌های هم‌اندیشی با مستندسازان برای بهتر دیده شدن آثارشان و در محاق واقع نشدن و بازتاب وسیع‌تر رسانه‌ای آثار، برنامه‌ریزی ویژه برای حضور و استفاده از مهمانان خارجی در برنامه‌های فرهنگی، گفتمانی و رسانه‌ای، تماشای هم‌زمان و همراه مهمانان خارجی در کنار فیلمسازان داخلی و اهالی رسانه از فیلم‌ها. برنامه‌ریزی شد تا مهمانان خارجی بتوانند علاوه بر تونمندی‌های سینمایی کشور با ظرفیت‌های فرهنگی و هنری و تاریخی ایران هم آشنا شوند.

چهار کردید که جشنواره درگیر دواپارگی نشود و سینماگران از هر سودر این رویداد سهمی داشته باشند؟

به دلیل فضای ملت‌پس سیاسی بعد از ۸۸ بعضاً شاهد گسست‌هایی در بخش‌هایی از بدنه سینما بودیم و این نگرانی وجود داشت این گسست به کیفیت و جایگاه جشنواره فیلم فجر به عنوان بزرگ‌ترین رویداد فرهنگی و سینمایی کشور لطمه بزند. آبان ماه مسؤولیت دبیری جشنواره به بنده واگذار شد و درست یک ماه بعد یعنی آذر با تعطیلی خانه سینما مواجه شدیم. با اتفاقی مواجه شدم که به رغم همه پیگیری‌ها و جلساتی که با گروه‌ها و جریانات مختلف کشور داشته‌ایم نتوانسته‌ایم مانع این اتفاق شویم. اتفاقی که برای سینمای ایران و خانواده سینما هزینه سنگین به همراه داشت. طبیعی است این اتفاق می‌توانست اثرات و آسیب‌هایی بسیاری برای جشنواره در پی داشته باشد.

از سوی دیگر، جشنواره فجر در ۲۹ دوره پیش از این همیشه توسط بنیاد سینمایی فارابی برگزار می‌شد و در دوره سی‌ام برای اولین بار بود که سازمان جشنواره مستقل شده بود و دبیری مستقل خارج از دایره مدیران ارشد عهده‌دار مسؤولیت آن شد. چون همیشه این جشنواره توسط مدیران ارشد و مؤسسات سینمایی برگزار می‌شد استقلال آن و حذف مدیران سینمایی از ستاد جشنواره شرایطی را به‌وجود آورد که بعضاً شاهد فشارهای روانی و اداری و سنگ‌اندازی و کارشکنی‌هایی هم بودیم. قطعاً، برخی این زمینه را در خود می‌دیدند که خواسته‌هایشان را به ستاد برگزاری جشنواره تحمیل کنند. به عنوان مثال این اصرار وجود داشت در مراسم افتتاحیه و اختتامیه از چهره‌های سیاسی خاصی میزبانی کنیم که نپذیرفتم. مضافاً این‌که، فشارهای سیاسی و دواپارگی بدنه سینما با تعطیلی خانه سینما، حضور هنرمندان خانه سینما در فضای جشنواره و شکل‌گیری یک فضای پرتلاهب و پرتنش شرایط پیچیده‌ای را به‌وجود آورد.

جا دارد اشاره کنم که علاوه بر فضای داخل، از سوی برخی رسانه‌های خارجی فارسی زبان هم به‌شدت برای تحریم جشنواره و انصراف و عدم حضور سینماگران در جشنواره و سیاه‌نمایی تخریب فضای جشنواره کار می‌شد؛ داغ کردن فضای شایعه و دمیدن بر طبل انصراف. تا جایی که اعلام شده بود، اثر یک جا قرار است انصراف دهد. در کنار اینها، نگرانی از این موضوع که فضای مراسم و ایونت‌های جشنواره به فضای میتینگ

سیاسی تبدیل نشود. در یک چنین شرایطی کار دبیر و ستاد برگزاری صرفاً برگزاری جشنواره نبود بلکه برگزاری جشنواره به همراه مدیریت، طراحی و مهندسی همه فضاهایی بود که ناشی از فشارها و سلايق سیاسی، مطالبات جناحی و جریانی شکل گرفت. از این رو، در یک چنین فضایی ایجاد تغییرات ساختاری و نوآوری و خلاقیت در این حد آن هم در بازه زمانی کوتاه به نظر کم نبوده است. بنده به عنوان دبیر در آن دوره از چهار جهت مورد فشار بودیم: فضای ملت‌پس سیاسی کشور و مطالباتی که وجود داشت، دلخوری و عصبانیت برخی صنوف سینمایی به خاطر تعطیلی خانه سینما و عدم تمایل برای حضور، عدم همراهی و کارشکنی برخی مدیران سازمان سینمایی و دخالت‌های آزردهنده‌شان به دلیل عدم حضور بنده در دایره مدیران سازمان سینمایی و زمان کم برای پیش تولید جشنواره.

طرح‌های اولیه‌ای که برای ایجاد تغییرات در پیش گرفتیم با بدبینی برخی‌ها روبه‌رو شد. حتی برخی مدیران با سابقه جشنواره‌ها معتقد بودند پیش‌بینی این حجم از تغییرات و تحولات در آن زمان کوتاه غیرممکن است. یک جاهایی حتی با فشار طیف‌هایی از سینماگران مواجه می‌شدیم تا جایی که به‌صراحت به آقای شمقدری معاون سینمایی اعلام کردم لطفاً سعه صدر داشته باشید و اجازه بدهید صفر تا صد ماجرا را جلو ببریم و مسؤولیت همه چیز با خودم باشد و اختلاف سلیقه در میان بود.

البته در همان دوره به دلیل فضای سیاسی که به‌وجود آمده بود بسیاری از داخل به سینماگران و هنرمندان خارجی پیام دادند و ایمیل زدند تا در جشنواره شرکت نکنند و شیطنت کردند. پیام‌هایی مبنی بر این‌که این جشنواره، جشنواره خوبی نیست. خانه سینما تعطیل شده و این جشنواره یک محفل سیاسی و فرمایشی است و مباحث سیاسی را مطرح کردند. پنج‌شش مهمان هم، امضای داده بودند ولی خوشبختانه اکثراً آمدند و جالب بود که بدانید در میان ایمیل‌زندگان چهره‌های شناخته شده صنفی هم بودند که هیچ‌وقت نخواستیم این اسامی در افکار عمومی درز پیدا کنند.

از این جور حواشی کم‌نداشتیم.

برای چیدن هیات داوران و هیات انتخاب همراهی سینماگران به چه ترتیب بود؟ چقدر با شما همراه بودند؟

هیات‌های انتخاب و دآوری تخصصی‌ترین هیات در ادوار این جشنواره فجر بودند. وقتی به این هیات نگاه کنید می‌بینید ترکیبی از سرشناس‌ترین چهره‌های سینمایی فارغ از جناح‌بندی و با همکاری گردهم آمده بودند با هدف مشترک تأکیدی‌ترین و مهم‌ترین آثار سینمایی سال را انتخاب کنند. بدون تردید انتخاب چهره‌ها و ترکیب دآوری بدون جهت‌دهی و افق‌بابی سینما و چشم‌انداز سال آینده سینما تأثیرگذار است و این به‌هوشمندی تیم برگزاری بستگی دارد. به‌شخصه و به‌تجربه بر اساس ترکیب داوران می‌توانم حدس بزنم خروجی آن دوره جشنواره چه می‌شود. همین‌طور، چون‌وکی چنین ترکیب هیات انتخاب به‌سبب نقش‌آفرین و مهم است و خوشبختانه، در دوره سی‌ام شاهد هیات‌هایی کاملاً تخصصی و با تجربه‌های شناخته‌شده سینمایی بودیم.

حضور چهره‌های شاخص در هیات‌های دآوری و

انتخاب (در این بخش با نگاه به لزوم همکاری هنرمندان از وزن و ظرفیتی بالا به کار گرفته شده که پیش از این کمتر سابقه داشته است)، تغییر سیمای هیات‌های انتخاب از یک سیمای مدیریتی به سیمایی تخصصی و سینمایی که با تمجید خانواده سینما و رسانه واقع شد؛ اگر چه بعدها دوباره به نگرش گذشته چسبیدیم که متأسفانه همچنان شاهد آن هستیم به جای پرنرگ بودن حضور سینماگران و متخصصان سینما بیشتر از مدیران استفاده می‌شود.

چند دوره سی‌ام فضای عمومی و طیف‌هایی که با سینما همواره سرستیز داشته‌اند با این حرکت همراه شده بودند، چرا؟

یکی از مهم‌ترین اتفاق و حرکت جشنواره سی‌ام این بود که تلاش کرد در کنار سینمایی‌ها با غیرسینمایی‌ها و شخصیت‌های مرجع و تأثیرگذار باب تعامل و گفت‌وگو را باز کند. همیشه از سوی جریانات فرهنگی غیرسینمایی، سینما مورد حمله بود. بخشی از این رویکردها و موضعگیری‌ها به دلیل ناآشنایی و فقدان شناخت آن عزیزان بود. برای این‌که هزینه‌های اضافی برای سینما، فیلم‌ها و سینماگران ایجاد نشود نیاز داشتیم این حاشیه‌سازی‌ها، حمله‌ها، جوسازی‌ها و جریانات فرهنگی غیرسینمایی، سینما مورد حمله بود. بخشی از این رویکردها و موضعگیری‌ها به دلیل ناآشنایی و فقدان شناخت آن عزیزان بود. برای این‌که هزینه‌های اضافی برای سینما، فیلم‌ها و سینماگران ایجاد نشود نیاز داشتیم این حاشیه‌سازی‌ها، حمله‌ها، جوسازی‌ها و جریانات فرهنگی غیرسینمایی، سینما مورد حمله بود. بخشی از این رویکردها و موضعگیری‌ها به دلیل ناآشنایی و فقدان شناخت آن عزیزان بود.

البته در همان دوره به دلیل فضای سیاسی که به‌وجود آمده بود بسیاری از داخل به سینماگران و هنرمندان خارجی پیام دادند و ایمیل زدند تا در جشنواره شرکت نکنند و شیطنت کردند. پیام‌هایی مبنی بر این‌که این جشنواره، جشنواره خوبی نیست. خانه سینما تعطیل شده و این جشنواره یک محفل سیاسی و فرمایشی است و مباحث سیاسی را مطرح کردند. پنج‌شش مهمان هم، امضای داده بودند ولی خوشبختانه اکثراً آمدند و جالب بود که بدانید در میان ایمیل‌زندگان چهره‌های شناخته شده صنفی هم بودند که هیچ‌وقت نخواستیم این اسامی در افکار عمومی درز پیدا کنند.

از این جور حواشی کم‌نداشتیم.

برای چیدن هیات داوران و هیات انتخاب همراهی سینماگران به چه ترتیب بود؟ چقدر با شما همراه بودند؟

هیات‌های انتخاب و دآوری تخصصی‌ترین هیات در ادوار این جشنواره فجر بودند. وقتی به این هیات نگاه کنید می‌بینید ترکیبی از سرشناس‌ترین چهره‌های سینمایی فارغ از جناح‌بندی و با همکاری گردهم آمده بودند با هدف مشترک تأکیدی‌ترین و مهم‌ترین آثار سینمایی سال را انتخاب کنند. بدون تردید انتخاب چهره‌ها و ترکیب دآوری بدون جهت‌دهی و افق‌بابی سینما و چشم‌انداز سال آینده سینما تأثیرگذار است و این به‌هوشمندی تیم برگزاری بستگی دارد. به‌شخصه و به‌تجربه بر اساس ترکیب داوران می‌توانم حدس بزنم خروجی آن دوره جشنواره چه می‌شود. همین‌طور، چون‌وکی چنین ترکیب هیات انتخاب به‌سبب نقش‌آفرین و مهم است و خوشبختانه، در دوره سی‌ام شاهد هیات‌هایی کاملاً تخصصی و با تجربه‌های شناخته‌شده سینمایی بودیم.

خزاعی و حاتمی‌کیا در «به وقت شام» با هم همکاری بودند

روایت فتح، رسانه ملی، کمیسیون فرهنگی مجلس، شورای عالی انقلاب فرهنگی، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، شهرداری، وزارت خارجه و سفرا و رازیزان فرهنگی کشورهای مختلف و ده‌ها نهاد و مرکز و جریان فرهنگی دیگر و مشارکت و تعامل آنها را خواستیم و شریک و همراه جریان جشنواره شدند. فاصله‌گذاری و نبود آنها در صحنه همیشه باعث ایجاد سوءتفاهم شده بود و از نزدیک با مریت‌ها، ظرفیت‌ها و محاسن جشنواره آشنا شدند و مشکلاتش را هم دیدند و کمک کردند. تا پیش از این فضا سازی‌های زیادی علیه سینما وجود داشت در بین مراجع، در کمیسیون‌های فرهنگی، در محافل نخبگانی ولی این حرکت کمک کرد تا این فضا سازی‌ها جمع و مدیریت شود.

به نظر من در آن سال در فاصله ده ماه و نیمی که داشته‌ام تمام تلاشم را کردم تا جشنواره‌ای برگزار کنم که به استانداردهای خوب نزدیک شود و با حفظ اصول و پایدینی به آنها تعامل گسترده‌ای را با هنرمندان، سینماگران، رسانه‌ها، نهادها و شخصیت‌های مرجع ایجاد کنم.

به جشنواره‌ای که دبیرش بودید چه نقدهایی دارید؟

مشکل جشنواره فیلم فجر در سیاست‌گذاری کلان آن است مادر حقیقت نمی‌دانیم از جشنواره فیلم فجر چه می‌خواهیم و چه اهداف کوتاه‌مدت و بلندمدتی را دنبال می‌کنیم؟ مسؤولان فرهنگی ما نمی‌دانند. آیا جشنواره قرار است چشم‌انداز فرهنگی کشور را نشانه‌شناسی کند؟ آیا جشنواره قرار است افق را نشان دهد تا بر اساس آن برنامه‌ریزی‌های تولید و گفتمان سال آینده تدوین و ترسیم شود؟ آیا جشنواره بناست چراغی را روشن کند و ما در پرتو آن به قوت‌ها و ضعف‌هایمان پی‌بریم؟ اگر همه اینها هست باید بازتعریف شود وگرنه صرفاً در حد یک جشن و دورهمی و نمایش چند اثر باقی می‌ماند. ما به بازتعریف و بازطراحی ساختار این رویداد مهم فرهنگی و سینمایی نیاز داریم. جشنواره فیلم فجر به نظر من آنچه الان شاهدش هستیم به جراحی و بازنگری اساسی و عمیق‌تری نیاز دارد.

تحلیل شما از این رویداد سینمایی و وضعیت حوزه فرهنگ چیست؟

ده‌ها گروه نظارتی، شوراهای تخصصی و مدیریتی و مکانیسم‌های سختگیرانه در مراحل و روند تولید آثار فرهنگی وضع کرده‌ایم و بسیاری از مراجع رسمی و غیررسمی هم، دائم در حال رصد آثار هستند. با همه این احوال، حوزه فرهنگ همچنان، به چالش‌ها و ایرادات اساسی مبتلاست. پس لابد، جاهایی از کار دچار اشکالات ساختاری است. یا کمتر و تعدد ابزارهای نظارتی اشتباه است یا شاخص‌ها و متر و معیارها ایراد دارد. در این میان، هنرمندان و نویسندگان و خالقان آثار هم، در چنبره سردرگمی‌ها و بلاکلیفی‌ها به سر می‌برند. طبیعی است در چنین شرایطی هنرمندان از جسارت در آثارشان دور شوند و دست به دامن پیش پا افتاده‌ترین مسائل و موضوعات روزمره جامعه شوند. همین می‌شود که روند نزولی تولیدات سینمای ایران صدای همه را در می‌آورد.

بیش از دو سال است موضوع مهم و استراتژیک گام دوم انقلاب مطرح شده است. در حوزه فرهنگ و سینما در گام دوم

چه اتفاقی افتاده است؟ چه اقدام جدی و اساسی مطرحی روشن و مشخص در این زمینه از سوی متولیان فرهنگی و مدیران ارائه شده است؟ بر اساس این گام دوم چه نقشه راه و چشم‌اندازی برای جامعه فرهنگی و هنری ترسیم شده است؟ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات و حوزه هنری، مراکز فرهنگی بسیج، شورای عالی انقلاب فرهنگی و مسؤولان رسانه ملی چه کردند؟ شورای عالی فضا‌های مجازی چه کرده است؟

افقی مشخص و روشن در این زمینه طراحی نشده است، بعد انتظار داریم شاهد رویش‌ها و شکوفایی فرهنگ و هنر باشیم. جشنواره فیلم فجر هم یکی از برآیندهای همین شرایط فرهنگی ماست. طبیعی است در این شرایط این رویداد سینمایی هم نمی‌تواند نقشی تأثیرگذار ایفا کند و از جایگاه مطلوب و شایسته‌اش دور شده است.

چرا شما همیشه برای تهیه آثار سینمایی یا تلویزیونی سراغ موضوعات و مضامینی می‌روید که ملت‌پس و دردرسرازند و سختی‌ها و حواشی و جنجال‌های خودش را دارند؟ از قلاده‌های طلا تا امپراتور جهنم، از فیلم به وقت شام تا سریال داستان و نقد ساختارهای معیوب، مافیای فساد و آقا را نگوی، چرا؟

بعد از اغتشاشات و فتنه سال ۸۸ جامعه نیاز داشت تا از طریق رسانه‌های موثر با ماجرای پشت پرده آن حجم از آشوب‌ها و جنایت‌ها و زخم‌های مردم آشنا شود. ضرورت داشت این آگاهی به مردم داده می‌شد. چون در آن فضای غبارآلود بعضاً دوست و دشمن قابل تشخیص نبودند و بعضاً برخی به اشتباه افتاده بودند. اینجاست که رسالت هنر و هنرمند و سینماگر مطرح می‌شود. می‌توان فیلم‌های سرگرم کننده و بی‌دردسر ساخت و به کسی بر نخورد. می‌توان از کنار آلام و مصائب جامعه عبور کرد. گیشه‌ای داشت و منافعی، ولی من آدم این جور سینما نیستم. خیلی‌ها هم نیستند. شاید بسیاری از هنرمندان ما به دلیل نداشتن اشتیاقی و امکانات وارد این عرصه نشده یا نمی‌شوند. کار مدیران فرهنگی و اجتماعی است که در این فضای تشویق و تشجیع را مهیا کنند. قلاده‌های طلا در دوره خودش و هنوز، منشاء بسیاری از روشنگری‌ها شده است. یا وقتی داش تا ببخ گوش مرزهای ما رسیده بود و همچون طاعون سیاه کل منطقه را گرفتار کرده بود لازم بود در خواسته‌هایمان هم ریختند. مردم نیاز به این آگاهی داشته‌اند تا بدانند این گروهک ویرانگر از کجا و با چه هویت و منابعی این چنین جهان اسلام را جریحه دار کرد. امپراتوری جهنم شکل گرفت. آن هم وقتی بسیاری از مسؤولان سیاسی هم ما را نهی می‌کردند تا به دست‌های آلوده جریان سعودی بخشی از خواسته‌هایشان هم رسیدند. وظیفه ما بود که ورود کنیم و فیلم را بسازیم.

به وقت شام که با همت عالی و جسارت‌های همیشگی ابراهیم حاتمی‌کیا ساخته شد هم همین‌طور بود. ده‌ها شهید مدافع حرم برای صیانت از آرمان‌ها و نظام اسلامی جانفشانی کردند. در کنار جوسازی‌های گسترده و فراگیر رسانه‌های صهیونیستی و امپریالیستی برخی در داخل هم عظمت و ارزش کار این مدافعان را تخطئه می‌کردند. لازم بود سینما ورود کند و به روایت گوشه‌های از عظمت، حماسه، اقتدار و در عین حال مظلومیت مدافعان حرم بپردازد و به وقت شام وقتش بود. روایتی از مردان بزرگی که تا یای جان برای آرمان‌شان ایستادند.

سریال دادستان از مجموعه‌هایی است که با دغدغه‌های معاصر جامعه همراه شده و به مهم‌ترین پرسش‌های نسل جوان و دانشجوی امروز می‌پردازد و حرف‌های زیادی برای گفتن دارد که بعداً راجع به آن گفت‌وگو خواهیم کرد.]